

بازار سایت‌ها و کانال‌های «ازدواج موقت» داغ است؛

هیچ ترتیبی و آدابی مجو!

در این جا ابدا قصد بررسی فقهی و اخلاقی و درست و نادرست بودن ماجرای «ازدواج موقت» را نداریم که این حیطة اصلا در تخصص ما نیست. ما فقط قصد داریم نگاهی واکاوانه و کمی هم آسیب‌شناسانه به این مسئله بیندازیم. در واقع قصد ما، یک روایت کوتاه است از اتفاقاتی که در این سایت‌ها و کانال‌های افندو آسیب‌هایی که از این طریق به زن و خانواده وارد می‌شود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

حوزه‌هایی را و تا کجا فرامی‌گیرد و آیا همه حق دارند از این «طبیعی» بودن استفاده و به تعبیری رساتر سوءاستفاده کنند؟

ازدواج موقت، چرا و چگونه‌ها

ممکن است روزگاری ازدواج موقت حکمت‌هایی برای خودش داشته، حکمت‌هایی شاید هم زیست‌شناسانه و هم بازدارنده برای مردانی که برای مدت‌های طولانی از خانواده دور بودند، برای مردانی که همسر بیمار داشتند، برای مردانی که به هر دلیل از سوی همسران خود رانده شده و مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند و به خصوص برای مردان مجردی که تا مدتی طولانی نمی‌توانستند ازدواج کنند، ازدواج موقت، روشی بود تا آنان به خلأ و نیاز جسمانی خود پاسخ دهند و از افتادن به جان جامعه و زنان پرهیز داده شوند. برای چنین مردانی، همیشه افرادی بودند که شرایطی را مهیا می‌کردند که ضمن آن، با تعیین مهریه، زنان واجد شرایط نیز می‌توانستند به خواسته و نیاز جسمی و نیز مالی خود پاسخ دهند. این زنان معمولاً زنان از جوان تا میان‌سال بیوه یا مطلقه‌ای بودند که البته حریم و شان‌شان معمولاً حفظ می‌شد. این حریم تا آن‌جا مهم بود که زنی که به ازدواج موقت درمی‌آمد، به هر مدتی، بعد تمام شدن زمان ازدواج، باید دو ماه و نیم عده نگه می‌داشت. و همین فاصله‌گذاری، نمی‌گذاشت ازدواج موقت، به صورت یک شغل، برای زنان دربیاید. در عین حال، تکلیف چنین

زنانی مشخص بود؛ آن‌ها هم مثل هر زن دیگری در زمینه ازدواج از مهر بهر با توجه به طول ازدواج از نفقه برخوردار بودند. این شرایط هنوز هم بر ازدواج موقت حاکم است... اگر این سایت‌ها و کانال‌هایگزاند!

در سایت‌ها و کانال‌های

همسر یابی چه می‌گذرد؟

در سایت‌ها و کانال‌های همسر یابی مسلماً هر چه می‌گذرد و هر طور که می‌گذرد، چندان خوشایند و البته چندان هم شرعی – آن‌طور که مدبران این سایت‌ها و کانال‌ها ادعا می‌کنند – نیست. ورود به این کانال‌ها و سایت‌ها، راحت است، هر کس می‌خواهد از امکانات این فضاها استفاده کند کافی است فرمی پر کند و مشخصات ظاهری خودش و موردی را که می‌خواهد اعلام کند، در مورد این مشخصات و اطلاعات هم البته راستی آزمایی در کار نیست. بعد از عضویت و پرداخت حق عضویت، مردان می‌توانند به پروفایل زنانی که اعلام آمادگی کرده‌اند، دسترسی داشته باشند.

سایت‌ها و کانال‌های فعالی وجود دارند با هزاران عضو که زنان را بر اساس سن، زیبایی، رنگ پوست، اندازه قد و وزن، تحصیلات و تهرانی و شهرستانی بودن، داشتن خانه مجردی و... البته قیمت مهریه! و شرایط و نحوه آن پرداخت آن، طبقه‌بندی کرده‌اند و مشتریان و مراجعان مرد، می‌توانند با توجه به شرایط خود که البته بیشتر و گاه فقط شامل تمکن مالی می‌شود،

نه اهمیت و پرشش از مشتریان خدمات جنسی فقط در مورد مسائل ظاهری و پول است. افرادی که در این کانال‌ها عضو می‌شوند فقط به دنبال برچسب ازدواج موقت هستند تا بدون کمترین رابطه حسی و قلبی و در قالب پوششی قانونی رابطه جنسی برقرار کنند.

این بازار حساسی داغ است!

شگفت‌انگیز آن است که به رغم مخالفت‌های ظاهری که از سوی مردم نسبت به ازدواج موقت دیده یا شنیده می‌شود، این بازار به شدت داغ است. بسیاری از کانال‌ها و سایت‌ها با سوءاستفاده از مفهوم صیغه و ازدواج موقت، روابط غیراخلاقی را ترویج می‌کنند و نهادهای نظارتی هم چون پلیس فتا و وزارت ورزش و جوانان نیز به این قضیه ورود کرده و به جوانان هشدار می‌دهند. حسن جواهری، روانشناس بالینی در مورد این کانال‌ها می‌گوید بسیاری از افراد نیازهای خود را از طریق چنین کانال‌هایی ارضا می‌کنند و برخی افسردگی برای مدت بسیار کوتاهی وارد این کانال‌های می‌شوند بدون این که چیزی به دست آورده، اعتماد به نفس و پول خود را به راحتی از دست می‌دهند.

شهناز سجادی، دستیار ویژه در امور حقوق شهروندی معاونت امور زنان و خانواده با اشاره به سایت‌های صیغه و همسر یابی می‌گوید: «متأسفانه این سایت‌های مجاز و غیرمجاز زنان، دختران جوان، مردان و پسران را به ازدواج‌های موقت ترغیب می‌کنند و آن قدر از ازدواج موقت تعریف و آن را تبلیغ کرده‌اند که قبض آن در میان خانواده‌ها و جوان‌ها زبیر رفته است و ما امروز با افزایش ازدواج‌های موقت مواجهیم. در حال حاضر هم که مدام تبلیغ می‌کنند یک نوجوان کمتر از ۱۳ سال نیاز جنسی دارد و باید ازدواج کند، این درست است که انسان نیاز جنسی دارد، اما در دوره‌ای باید به یک روند از رشد و تعالی انسان پرداخته شود. و دوران ابتدایی و حتی ۱۳ سالگی، مقطعی نیست که لزومی داشته باشد این میل بیدار و پرورده شود. سن نوجوانی فرصت اجتماعی شدن و مهارت‌آموزی است نه زمان سر فرو کردن در سایت‌ها و کانال‌های ازدواج موقت که اساساً هیچ ضابطه‌ای بر آن‌ها حاکم نیست.»

فضای حاکم بر جامعه بیمار است!

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی معتقد است امر جنسی در حال حاضر «دغدغه و معضل» جامعه ماست. این التهاب جنسی نشانگانی دارد که در سطح بازنامایی ذهنی و زبانی در جامعه ما وجود دارد. برای مثال اگر بخوایم به چند نمونه از این نشانه‌ها اشاره کنیم، شامل این موارد

یکی از دلایل دغدغه شدن امر جنسی در جامعه امروز ما بحث دوران گذار است. جامعه مادر حال تجربه «تجارب» جدیدی است. به لحاظ جمعیتی در حال تجربه نوع جدیدی از ساختار جمعیتی هستیم که به شدت بر مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیر گذار است

می‌شود: طنز جنسی، پوشش جنسی، اقبال خانواده‌های ایرانی به سریال‌ها و فیلم‌هایی که تابوشکن هستند. محمد تقی کرمی می‌گوید: «اگر دوربینی در یکی از این فضاهای عمومی کار گذاشته شود، ملاحظه می‌کنیم با چه میزان ابراز نشانگان جنسی در جامعه مواجهیم، برای مثال کافی است در یک واگن مترو یک خانم بدحجاب داخل شود. تمام فضا تحت تأثیر او قرار گرفته و نگاه‌ها به سمت این خانم می‌رود. حتی کسی که می‌خواهد نگاهش را کنترل کند و خود را بی تفاوت نشان دهد، دارای نوعی بی تفاوتی آگاهانه است. بنابراین در جامعه دچار معضلات جنسی هستیم و این مسئله، مجرد و متأهل و زن و مرد هم ندارد. این قضیه کل خانواده را درگیر کرده است.»

به گفته کرمی یکی از دلایل دغدغه شدن امر جنسی در جامعه امروز ما بحث دوران گذار است. جامعه ما در حال تجربه «تجارب» جدیدی است. به لحاظ جمعیتی در حال تجربه نوع جدیدی از ساختار جمعیتی هستیم که به شدت بر مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیر گذار است. هم چنین دو قطبی شدن فضای سیاسی و کاهش اعتماد رسانه‌ای مردم حتی نسبت به اخلاق و ارزش‌ها منجر به شکاف میان حاکمیت و مردم شده است. حسین باهر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه هم می‌گوید: «در باره افزایش ازدواج موقت در جامعه می‌توان دلایل مختلفی ارائه کرد. در حال حاضر اقدام به ازدواج دائم از نظر مشکلات اقتصادی سخت شده است. به اعتقاد من ۹۰ درصد مشکلات ازدواج دائم ناشی از مسائل اقتصادی و ۱۰ درصد نیز ناشی از مسائل فرهنگی است. مسائل اقتصادی شامل مسکن، شغل و درآمد مناسب، هزینه‌های بالای ازدواج و مهریه‌های سنگین باعث شده مردم جذب این سایت‌ها و کانال‌ها شوند و البته به این ترتیب بار هر نوع مسئولیتی شانه‌خالی کنند.» به نظر حسین باهر، دلیل اصلی رواج ازدواج موقت را می‌توان سخت بودن ازدواج دائم و آسان و ارزان بودن ازدواج موقت دانست.

شوهرش در یک اتاق می‌انداخت و می‌گذاشت آن مرد چنان کارهایی با من بکند. در آن روزها و شب‌ها، من نمی‌توانستم فکر کنم. فقط درد در می‌کشیدم و گریه می‌کردم. اما حالا مربی‌ام ذره ذره بعضی چیزها را توضیح می‌دهد، طوری توضیح می‌دهد که بفهمم. و من می‌دانم و باور کرده‌ام که وقتی بزرگ و خانم شوم، مثل مربی‌ام خواهم شد. مثل او که یک «زن» است اما احساس نمی‌کنم بی سرپرست است. او روی پاهای خودش ایستاده است. کسی جرات ندارد او را بفرود. کسی جرات ندارد دست روی او بلند کند.

«دلواپس»‌های عزیز، من زمانی که فروخته شدم و به خانه‌ای مرد آورده شدم، احساس بی‌کسی کردم. احساس کردم هیچ کس در دنیا دوستم ندارد و درد من را نمی‌فهمد، اگر منظور تان از «بی‌سرپرستی» همین باشد، پس باید بگویم دیگر نگران نباشید. آن شب‌های پر از کابوس و درد تمام شده، و حالا خیلی‌ها من را دوست دارند و می‌خواهند کمکم کنند.

از گوشه و کنار

آیت‌الله‌عندلیب‌همدانی:

ازدواج با کودک حرام است

آیت‌الله‌عندلیب‌همدانی استاد درس خارج حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با دوفصلنامه بهار حکمت گفت:

ازدواج با کودک به غیر از مواردی که صرفاً قصد محرمیت باشد، حرام است. بنده با جرأت تمام می‌گویم که فتاوایی که بعضی‌ها در مورد ازدواج با هدف استمتاع از کودک گفته‌اند، قطعاً باطل است.

کودک یعنی کسی که بلوغ جنسی لازم را ندارد و مهم‌ترین که رشد عقلانی مناسب برای تشکیل خانواده را ندارد و تعیین سن، به لحاظ مناطق جغرافیایی و زمان‌ها متغیر است و در این زمینه فقیه باید به نظرات دانشمندان از جمله جامعه‌شناسان و روان‌شناسان توجه کند.



اعزام واحد سیار کارت هوشمند ملی برای معلولان



سختگوی سازمان ثبت احوال کشور گفت: واحدها و ایستگاه‌های سیار ثبت نام کارت هوشمند ملی برای افرادی مانند جانبازان، معلولان و سالمندان که محدودیت حرکتی دارند اعزام می‌شود تا این افراد نیز بتوانند کارت هوشمند ملی را دریافت کنند.

سیدالله ابوترابی روز چهارشنبه (۲۴ بهمن‌ماه) در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی ایرنا افزود: افراد معلول یا سالمند که محدودیت حرکتی دارند و جانبازان برای استفاده از خدمات ایستگاه‌های سیار ثبت نام کارت هوشمند ملی در تهران می‌توانند با اداره کل ثبت احوال استان تهران یا ادارات پست تماس بگیرند و از این خدمت استفاده کنند.

وی ادامه داد: در این ایستگاه‌های سیار همه مراحل ثبت نام شامل: پیش ثبت نام و ثبت نام و حتی گرفتن عکس زنده (لایو) انجام می‌شود و هزینه ثبت نام هم برابر هزینه اعلام شده ثبت احوال در مجموع ۲۱ هزار تومان است.

ابوترابی گفت: ایستگاه‌های سیار سازمان ثبت احوال محدود است و بیشتر اعزام این ایستگاه‌ها از طریق ادارات پست انجام می‌شود. در عین حال هزینه‌ای بابت ایاب و ذهاب برای اعزام ایستگاه ثبت احوال در یافت نمی‌شود و هزینه برای اعزام ایستگاه سیار از طریق ادارات پست به صورت توافقی است. وی اضافه کرد: در حال حاضر در کشور بیش از ۵۰۰ ایستگاه سیار برای ثبت نام کارت هوشمند ملی فعال است و افراد دارای محدودیت حرکتی می‌توانند از خدمات آن استفاده کنند.



ساماندهی سگ‌های ولگرد

در «دهکده مهربانی»

یکی از مطالبات جدی و به حق شهروندان منطقه ۲۲ در دوره جدید مدیریت شهری ساماندهی سگ‌های ولگرد بود که از گذشته یکی از چالش‌های اساسی در منطقه به شمار می‌رفت، حال به گفته معاون خدمات شهری و محیط زیست منطقه ۲۲ اولین گام در راه تحقق وعده مدیریت شهری به شهروندان برداشته شد و آن ایجاد و راه‌اندازی دهکده مهربانی یا همان محل نگهداری سگهای بلاصاحب است.

به گزارش ایسنا، احسان صابلی با بیان اینکه منطقه ۲۲ و بوشان جنگلی پیگیر یکی از مکان‌های امن برای رهاسازی سگ‌های بلاصاحب از سوی سازمان محیط زیست اعلام شده بود، گفت: مدیریت شهری منطقه ۲۲ با برنامهریزی‌های مستمر خود فاز نخست را برای جمع‌آوری و ساماندهی سگ‌های بلاصاحب انجام داد تا شاهد رضایت‌مندی هر چه بیشتر شهروندان در این موضوع باشد.

وی با بیان این که زمینی را برای ساخت سایت نگهداری سگ‌ها در بوشان جنگلی چیتگر با نام «دهکده مهربانی» آماده کرده‌ام، یادآور شد: زمینی با متراژ ۱۷ هزار متر، مجهز به لانه و وسایل نگهداری سگ‌ها آماده شده است که در مرحله اول ۱۰۰ حلقه سگ جمع‌آوری شده است. خیراتیان در ادامه گفت: در مرحله نخست ساماندهی سگ‌های بلاصاحب توسط حامیان و گروه‌های داوطلب زنده‌گیری و پس از آن نسبت به عقیم‌سازی و واکسیناسیون اقدام می‌شود.

دلواپس‌ها نگران نباشند

آسپه ویسی

من «ها» هستم. همان دختری که این روزها با همین اسم مستعار بر سر زبان‌ها افتاده‌ام و همدردی، دلسوسزی و همدلی خیلی‌ها را برانگیخته‌ام. من به عنوان دختر کوچولو ۱۱ ساله‌ای که هنوز خوب و بد خود را تشخیص نمی‌دهم، می‌خواهم از این آدم‌هایی که به هر دری زدند تا من را از خانه «شوهرم!» بیرون بکشند، ممنونم. ممنونم چون درد زیادی می‌کشیدم. و درد کشیدن، وقتی تنهایی و صدايت را کسی نمی‌شنود، خیلی سخت است. پدر من، هم بیکار است، هم قرض دارد و هم معتاد است؛ یعنی یک آدم بیچاره... خیلی بیچاره. اما این بیچارگی اوباعث نمی‌شود که وقتی بزرگ شدم و توانستم خیر و صلاح خود

را تشخیص دهم، او را ببخشم. وقتی بزرگ بشوم حتماً خواهم فهمید که گاهی بعضی بلاها سر آدم می‌آید که نمی‌شود کسی را به خاطر آن‌ها بخشید. مربی‌ام می‌گوید بخشیدن را باید یاد گرفت. شاید تا آن موقع یاد بگیرم.

من که «ها» باشم، کمی می‌خواهم با آن‌هایی حرف بزنم که «دلواپس» من هستند. آن‌هایی که فقط دوجور «دلواپس» ی احساس می‌کنند؛ اول این که خوب، حالا که من را از خانه شوهرم! به بهزیستی برده‌اند، پس من، حتی اگر ۱۱ ساله باشم، دیگر «دختری» ندارم و دوم این که تبدیل شده‌ام به یک زن بی‌سرپرست. یعنی زنی که نه پدری دارد که از او حمایت کند و نه شوهری! که خرجی‌اش را بدهد. من هیچ تصویری از «دختری» و از «زن» بودن ندارم. در این مورد کسی با من حرف نزده است و نمی‌دانم

که اصلاً داشتن یا نداشتن «دختری» چه تغییری در وضعیت من به وجود خواهد آورد. فقط می‌دانم که در بهزیستی کسی در این باره نگران نیست. این‌جا سعی می‌کنند حال من را خوب کنند. درد شکم و کمرم را خوب کنند. سعی می‌کنند من از گریه کردن دست بردارم و کمی بخندم. من که ۱۱ ساله‌ام، از نظر این آدم‌ها، یک دختر کوچولوی بیچاره فروخته شده هستم که حالا باید به آینده‌ام فکر کنم؛ مثلاً درس بخوانم. مثلاً دانشگاه بروم، مثلاً توانم روزی روزگاری کاری پیدا کنم و روی پاهای خودم بایستم. این‌جا به من می‌گویند وقتی که بزرگ شوم پاهای خیلی قوی خواهم داشت، هم برای راه رفتن، هم برای دویدن، هم برای رانندگی و دوچرخه‌سواری کردن. فقط وقتی می‌شوم «دلواپس»‌ها نگران «دختری» و آینده ازدواج